

بسمه تعالی



۱۹۳۴
۱۳۸۴/۵/۲۱

کردستان را دریابید

راهکارهایی برای رفع تبعیض و نارضایتی اقوام ایرانی

نهضت آزادی ایران، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به تحریکات، تشنجات و درگیری‌ها در شهرهای مختلف استان کردستان، قتل شهروندان، اعم از مردم عادی و نیروهای انتظامی، مجروح شدن مردم، تعطیل روزنامه‌ها و بازداشت‌های گسترده را محکوم نموده، همدردی خود را با خانواده‌های قربانیان و زخمی‌شدگان این درگیری‌ها اعلام می‌کند.

نهضت آزادی ایران، با توجه به وضعیت متلاطم و بحرانی منطقه، بویژه عراق، و تغییرات سیاسی در ایران، ادامه و گسترش ناآرامی‌ها و درگیری‌ها و بکارگیری سیاست مشت آهنین را به نفع کردستان و در راستای منافع و امنیت ملی کشورمان نمی‌داند. بحران کنونی کردستان از یک سو محصول رویدادهای تاریخی و از سوی دیگر بازتاب وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی مذهبی موجود در کردستان و تاثیر رویدادهای منطقه و تحریکات خارجی است. بنابراین، هر گونه راه حلی باید با در نظر گرفتن عوامل یادشده و با خویشتن‌داری، سعه صدر و دورنگری گزینش و اعمال شود. واکنش‌های تند و خشن نه تنها کارساز نخواهد بود بلکه موجب افزایش سریع ابعاد بحران در حدی که مهار آن از دست برود، خواهد گردید.

اقوام ایرانی، از جمله کردها، بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و تمدن ایران محسوب می‌شوند. کردها از جمله قدیم‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی - آریایی هستند. آنان خود را بیش از هر ایرانی دیگری، ایرانی می‌دانند و از ملا مصطفی بارزانی چنین نقل می‌کنند که «کردی که خود را ایرانی نداند، کرد نیست»، برپایه چنین احساس تعلق و وابستگی، کردها در طول قرن‌های پی‌درپی گذشته از جدی‌ترین پاسداران استقلال و تمامیت ارضی کشورمان بوده‌اند.

تاریخ گذشته ایران نشان می‌دهد که بلوچ‌ها در بلوچستان، ترک‌ها در آذربایجان و کردها در غرب کشور نه تنها خود را ایرانی می‌دانسته‌اند بلکه مدافعان جدی در برابر تجاوزهای خارجی بوده‌اند. در انقلاب مشروطیت، هنگامی که به دستور محمدعلی شاه - و به دست نیروی قزاق، به فرماندهی یک افسر روسی - مجلس شورای ملی به توپ بسته شد و مشروطه خواهان شکست خوردند و پراکنده شدند، ستارخان و باقرخان، قیام کرده، پس از شکست دادن قوای استبداد

در آذربایجان راهی تهران شدند و شاه مستبد و نیروهای قزاق را وادار به فرار کردند. رهبران این جنبش هرگز، سخنی که حاکی از گرایشهای قوم‌گرایانه در برابر ایران‌گرایی باشد بر زبان نراندند. پس چه شده است که ما امروز با بحران قوم‌گرایی روبرو شده‌ایم؟

متأسفانه، از سالهای آغازین قرن بیستم، یعنی از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به بعد، با روی کار آمدن رضاخان و اجرای سیاست دگرگونی ریشه‌ای بافت و ساختار اجتماعی ایران و سرکوبی ایلات و عشایر، درگیری‌های شدیدی میان دولت مرکزی و کردها پدید آمد. در آن زمان، اگر چه کردها حق ویژه‌ای برای خود مطرح یا مطالبه نمی‌کردند، سیاست تمرکز قدرت در دولت مرکزی از عوامل و موجبات اصلی درگیری‌های شدید نظامی در کردستان محسوب می‌شد. از آن پس، سیاست محوری دولت مرکزی در دوران استبداد مطلقه سلطنتی بر سرکوبی مستمر کردها و جلوگیری از رشد و توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان متمرکز بوده است. اجرای این سیاست موجب شد که در آستانه انقلاب اسلامی ایران، در آمارهای رسمی کشورمان، کردستان و سیستان و بلوچستان جزء فقیرترین و محروم‌ترین استان‌های کشور گزارش شوند.

سرکوب‌های سیاسی و نظامی، محدودیت‌های فرهنگی و محرومیت‌های اقتصادی موجب فراهم‌شدن زمینه‌های مساعد برای رشد گرایش‌های جدایی‌طلبانه‌شد. قدرت‌ها و توطئه‌گران خارجی نیز در گذشته از همین زمینه‌های مساعد بهره‌گیری کرده‌اند و اینک تحریکات و تبلیغاتشان اوج تازه‌ای یافته است - ریشه‌ها و دلایل گرایشها و حرکت‌های جدایی‌خواهانه در میان برخی از اقوام ایرانی، در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، را باید در همین زمینه‌های داخلی و تحریکات خارجی جستجو کرد. ناآرامی‌های اخیر کردستان از یک درگیری ساده و ابتدایی در مهاباد - که منجر به قتل یک هموطن کرد شد- آغاز گردید و اعتراضات مردمی به سرعت به شهرهای دیگر استان سرایت کرد. اگر چنین حادثه‌ای، در یک منطقه دیگر، یا در شرایط دیگری در همان منطقه رخ داده‌بود، احتمالاً این گونه پیامدها را نمی‌داشت و تخلف یک مامور انتظامی با پیگیری‌های عادی قضایی حل و فصل می‌شد. آن چه موجب بروز این ناآرامی‌ها گردیده است وجود شرایط و زمینه‌های مناسب، نارضایتی‌های گسترده و عمیق مردم از وضعیت کلی حاکم بر کشور و کردستان می‌باشد.

در طول سال‌های پس از انقلاب، بویژه در جمهوری دوم، گام‌های موثری در راستای رشد و ارتقای سطح آموزش در کردستان برداشته شد، به گونه‌ای که امروز شاهد نیروی تحصیل کرده و با ارزشی در میان برادران کرد هستیم. این سیاست‌های آموزشی آثار فراوانی در بالا بردن سطح آگاهی سیاسی کردها و بهبود روابط آنان با دولت مرکزی داشته است.

در دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی، گام‌های مثبت و موثری در انتصاب مدیران کرد سنی در سطح استان و در سطح ملی برداشته شد و برنامه‌های ویژه‌ای برای توسعه صنعتی و اقتصادی در کردستان به اجرا گذاشته شده‌است، اما، متأسفانه، پس از گذشت ۲۷ سال از پیروزی انقلاب هنوز میانگین شاخص‌های توسعه در کردستان (و نیز در سیستان و بلوچستان)، در مقایسه با سایر استان‌های ایران، در پایین‌ترین ردیف‌ها قرار دارد. محرومیت اقتصادی در کردستان یکی از علل کارساز در ایجاد نارضایتی‌های عمومی است.

میزان مشارکت مردم کردستان در انتخابات اخیر، کمترین حد (زیر ۲۰٪)، در سطح ملی بوده است. پایین بودن این درصد مشارکت، بازتاب و نشانه روشن نارضایتی کردها از وضع موجود است. مقایسه این آمار با آمار مشارکت مردم کردستان در انتخابات دو دوره گذشته ریاست جمهوری، کاهش شدید آن را نشان می‌دهد.

بی‌تردید، این کاهش چشمگیر، علاوه بر آن چه در بالا اشاره شد، متأثر از تغییر وضعیت کردهای شمال عراق نیز بوده است. رخدادهای کردستان عراق سطح توقعات کردهای ایران را بالا برده و بر میزان نارضایتی آنان افزوده است. رشد گرایشهای جدایی‌خواهانه در میان برخی از کردها همچنین واکنشی به وضعیت نه چندان مطلوب کل کشور است. در شرایط نامطلوب کنونی، به همانگونه که سرمایه‌های مادی به کشورهای دیگر، از جمله به امارات متحده عربی، فرار می‌کنند، نیروهای انسانی نیز با الهام از شعر زیبای: «سعدیا حب وطن گر چه حدیثی است شریف - نتوان مرد به سختی که من اینجا زادم»، دست به مهاجرت می‌زنند، تا آنجا که فرار مغزها از ایران به بالاترین سطح در جهان رسیده است، آن دسته از مردم که نه امکان مهاجرت و گریز دارند و نه خود را قادر به تغییر شرایط نامطلوب می‌بینند، ناگزیر به تمامی سابقه و هویت تاریخی خویش پشت پا می‌زنند و نجات را در جدایی و گریز از مرکز تصور می‌کنند. اما جدایی به رهایی نمی‌انجامد، بلکه گام برداشتن به سوی سراب و ناکجا آباد است.

مقایسه وضعیت کردها در عراق و ایران قیاس مع‌الفارق است. زیرا در حالی که کردها در هر جا که باشند خود را ایرانی می‌دانند و احساس تعلق و وابستگی به ایران دارند، کردهای عراق هرگز خود را عرب ندانسته‌اند و نمی‌دانند، با این که اکثریت کردهای عراق سنی هستند، اشتراک مذهب آنان با اعراب سنی نتوانسته است آنان را به قبول حکومت عربی قانع یا وادار سازد. وضعیت کردهای ترکیه و روابط آنان با اکثریت ترکها تشابهی با وضع کردهای عراق دارد، اما آنها نیز وضعیت ویژه‌ای دارند که با وضع گروه‌های ایرانی به کلی متفاوت است.

در چنین شرایطی، مقامات تصمیم‌گیرنده و نیروهای انتظامی و امنیتی، با توجه به حساسیت‌های بسیار بالایی که وجود دارد، باید با آرامش، سعه صدر و خویشتن‌داری با بحران روبرو شوند و در پی راه‌حل‌های سنجیده باشند. متأسفانه مسایل کردستان - که زمانی صرفاً قومی و سیاسی و اقتصادی بود - امروزه به دلیل بروز و ظهور تعصبات مذهبی و کشیده‌شدن این تعصبات به سطح مدیریت ها و انعکاس آن در ابعاد فرهنگی رسانه‌های ملی، با اعتراضات مذهبی همراه شده است. رفتارهای برخی از سنت‌گرایان شیعه نیز در تحریک احساسات مذهبی هموطنان اهل سنت به شدت موثر بوده است.

از سوی دیگر، ما با برادران کردمان، بویژه روشنفکران و برگزیدگان کرد، نیز سخن داریم. محور اصلی سخنان این است که مشکلات کردستان جدا از مسائل اساسی و کلیدی کشورمان نیست، فشارهای سیاسی، محرومیت اقتصادی و محدودیت فرهنگی منحصر و محدود به کردستان نمی‌باشد. مگر فعالان سیاسی غیر کرد، تحت فشار نیستند؟ مگر بخش قابل توجهی از کل جمعیت کشورمان زیر خط فقر زندگی نمی‌کنند؟ مگر دگراندیشان، اعم از دینی و غیردینی، مورد بی‌لطفی، فشار و سرکوبی قرار ندارند؟ مگر سنت‌گرایان با تنگ نظری اندیشه‌های متفاوت روشنفکران دینی را تحریم نمی‌کنند؟

حل مشکلات کردها با گزینش راهی جدا و مستقل از کل ایران و یا دست زدن به روش‌های افراطی و تند و ناکجا آبادی مقدور نیست. در سراسر ایران، راه نجات مبارزه مستمر، پیگیر، قانونی و مسالمت‌آمیز برای ایجاد تغییرات تدریجی در راستای اهداف راهبردی است.

برپایه آنچه گفته شد،

۱- نهضت آزادی ایران فعالان فرهیخته و نخبگان کرد را به موضع‌گیری صریح علیه خشونت‌ها و تحریکات ضد ملی و دعوت به اعتراضات مدنی و مسالمت‌آمیز توصیه می‌کند.

۲- نهضت آزادی ایران مقامات مسئول و تصمیم‌گیرنده در نهادهای امنیتی و انتظامی را به خویشتن‌داری در برخورد با ناآرامی‌ها سفارش می‌کند.

۳- اگر دولت جدید درباره آن چه به عنوان «عدالت» مطرح کرده‌است، جدی است، باید عدالت را به عنوان یک هدف راهبردی در سطح ملی و در میان اقوام ایرانی عمل‌کند و با اجرای طرح‌های مطالعه شده اقتصادی - صنعتی، میانگین شاخص‌های توسعه در کردستان (و در سیستان و بلوچستان) را به سطح سایر استان‌ها ارتقا دهد.

۴- اگر چه در کردستان چند زبان کردی وجود دارد، با اجرای اصل پانزدهم قانون اساسی می‌توان گام موثری در کاهش تشنجات و جلب نظر اقوام مختلف ایرانی، از جمله قوم کرد، برداشت.

۵- ادامه وضعیت امنیتی در کردستان در راستای حل مسالمت‌آمیز مشکلات این استان نیست. مشکلات را باید براساس ماهیت‌شان تفکیک کرد. مثلاً، مبارزه با قاچاق در کردستان باید از سایر برنامه‌ها به کلی جدا شود. تا زمانی که فقر، محرومیت و بیکاری در کردستان بیداد می‌کند، مردم را نمی‌توان به آسانی از روی آوردن به قاچاق برای تامین حداقل هزینه زندگی بازداشت. در رویدادهای اخیر، مناطق فقیر نشین در مهاباد، و در سایر شهرهای کردستان، از کانونهای اصلی اعتراضات و ناآرامی‌ها بوده است.

۶- **نهضت آزادی ایران** فعالان سیاسی کشور را، از هر قشر و گروه و با هر گرایشی، دعوت می‌کند که نسبت به ناآرامی‌های قومی و برخوردهای خشونت‌آمیز که در استان‌های آذربایجان، خوزستان، کردستان و ... رخ می‌دهد توجه داشته و به مشکلات و اعتراضات مردم این استانها حساس باشند و با جدیت از حقوق و آزادی‌های اساسی آنان، در چارچوب یک ایران متحد و یکپارچه، دفاع کنند. معترضان کرد نباید احساس تنهایی کنند و نباید اجازه و رضایت داد که تنها رادیوها و تلویزیون‌های خارجی، با انگیزه‌های خاصی که دارند، مدافع و بیان‌کننده اعتراضات کردها باشند.

نهضت آزادی ایران در چهار سال گذشته، با بررسی اوضاع و احوال کشور، بارها ادامه وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کنونی را خطر آفرین ارزیابی کرده و هشدار داده است که اگر این روند متوقف نشود با فروپاشی جغرافیایی و اجتماعی روبرو خواهیم شد. ما برای پیشگیری از این خطرات تهدید کننده، طرح وفاق ملی را مطرح کردیم و ما همچنان بر اجرای این طرح پای می‌فشاریم و معتقدیم که اصرار بر تداوم اجرای سیاست‌های نامطلوب گذشته هزینه‌های سنگین‌تری را برای کشورمان به بار خواهد آورد.

هم اکنون، آثار شوم ادامه این سیاست‌ها را در خوزستان و کردستان می‌توان دید. بنابراین، تا دیر نشده است باید همگان برای رفع بحران، فکری عاجل کنند و به اقداماتی فوری ولی سنجیده، ریشه‌ای و خردورزانه دست‌زنند تا در پیشگاه خداوند و در برابر خلق او شرمسار نشوند.

نهضت آزادی ایران